

سروشانه :

پرتو، رمضان، ۱۹۷۳ - م.

Pertev, Ramadan

عنوان و نام پدیدآور : کودک و قصه / نویسنده رمضان پرتو ؛ مترجم عباس فرهادی توپکانلو.

مشخصات نشر : قم: انتشارات عموعلوی، ۱۳۹۵.

۱۵۶ص.

مشخصات ظاهری :

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۹-۵۰-۹

شابک:

نیا

وضعیت فهرست نویسی :

یادداشت :	عنوان اصلی : Zoruk o G-rak	موضوع :	قصه‌گویی در آموزش و پرورش
یادداشت :	کتابنامه.	موضوع :	Storytelling in education
موضوع :	کودکان -- روان‌شناسی	موضوع :	آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی
موضوع :	Child psychology	موضوع :	Early childhood education
موضوع :	کودکان -- رشد	شناسه افزوده :	فرهادی توپکانلو، عباس، مترجم
موضوع :	Child development	رده بندی کنگره :	LB۱۱۳۹/۳۵: پ ۹۵۴۴ ۱۳۹۵
موضوع :	قصه‌گویی -- جنبه‌های روان‌شناسی	رده بندی دیویی :	۲۱/۳۷۲
موضوع :	Storytelling -- Psychological aspects	شماره کتابشناسی ملی :	۴۴۲۲۷۱

کودک و قصه

نویسنده: رمضان پرتو

مترجم: عباس فرهادی توپکانلو



ناشر: عموعلوی

طراحی جلد و صفحه آرایی: رضا جنتی

سال و نوبت چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نازجستان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۹-۵۰-۹

آدرس مرکز پخش: قم، خیابان صفائیه، کوچه ۲۵، پلاک ۸۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۶۵۱۵۴۲۹

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

فهرست

سخن ناشر..... صفحه ۶

مقدمه نویسنده..... صفحه ۸

فصل اول (کودکی)

کودکی..... صفحه ۲۰

ایام رشد کردن..... صفحه ۲۷

رشد پیش از تولد..... صفحه ۲۸

نویا و گی..... صفحه ۳۱

رشد جسمانی و حرکتی..... صفحه ۳۲

رشد اجتماعی و احساسی..... صفحه ۳۳

رشد ذهنی..... صفحه ۳۵

کودکی اولیه..... صفحه ۳۸

رشد جسمانی و حرکتی..... صفحه ۳۸

رشد اجتماعی و احساسی..... صفحه ۴۰

رشد ذهنی..... صفحه ۴۱

پایان کودکی..... صفحه ۴۴

رشد جسمانی و حرکتی..... صفحه ۴۴

رشد اجتماعی و احساسی..... صفحه ۴۵

رشد ذهنی..... صفحه ۴۷

رشد زبانی..... صفحه ۴۸

برخی از مشکلات دوره ی کودکی..... صفحه ۵۳

ترس..... صفحه ۵۶

مدرسه هراسی..... صفحه ۵۹

شباب داری (دفع غیرارادی پیشاب)..... صفحه ۶۱

مکیدن انگشت..... صفحه ۶۳

ناخن جویدن.....	صفحه ٦٤
لکنت زبان.....	صفحه ٦٤
کم‌توجهی و بیش‌فعالی.....	صفحه ٦٥
کودک و نقاشی.....	صفحه ٦٧
منابع فصل اول.....	صفحه ٧١

فصل دوم (قصه)

روایت عامیانه.....	صفحه ٧٤
قصه.....	صفحه ٨٠
انواع قصه.....	صفحه ٨٨
اجزاء قصه.....	صفحه ٩٠
قهرمان قصه.....	صفحه ٩٢
ویژگیهای قصه.....	صفحه ٩٣
شیوه‌ی بازگویی قصه.....	صفحه ٩٦
قصه و اهمیت زبان مادری.....	صفحه ٩٩
قصه و پداگوژی.....	صفحه ١٠٤
شرح و بررسی بعضی از نمونه‌های روایت‌های عامیانه کردی.....	صفحه ١١٦
داستان (م و زین احمد خانی).....	صفحه ١١٨
افسانه - نوروز (کاوه انگر و ضحاک ظالم).....	صفحه ١٢٢
داستان تمثیلی (شنکه و پنگه).....	صفحه ١٢٤
نمونه‌ی چند قصه.....	صفحه ١٢٧
برگردان قصه‌های شعرگونه‌ی.....	صفحه ١٣٢
حاضر جوابی، بدیهه‌گویی.....	صفحه ١٣٦
چیستان.....	صفحه ١٣٨
آزمون اول (قصه‌های آسیب‌شناسی روانی خانم لونی‌ا دوس).....	صفحه ١٣٩
آزمون دوم (سنجش نگرش والدین و پرورش کودک).....	صفحه ١٤٧
منابع فصل دوم.....	صفحه ١٥٣

اعلامیه جهانی حقوق کودک

کودک باید از بدو تولد صاحب اسم و ملیت گردد.
کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، و به هر صورت در فضائی پر محبت و امنیت اخلاقی، مادی، پرورش یابد.
باید از امنیت اجتماعی بهره‌مند گردد، در محیطی سالم پرورش یابد و بدین منظور کودکان و مادران باید از مراقبت و حمایت خاص که شامل توجه کافی پیش و بعد از تولد می‌باشد بهره‌مند شود.
کودک باید امکان خورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد. همه بچگان بدون تبعیض و بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی یا مذهب، شأ اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد و یا ویژگیهای فردی دیگر یا خانوادگی مشمول این حقوق می‌شوند.
کودک باید از امکانات کامل برای بازی و تفریح با همان اهدافی که در مورد آموزش او آمد برخوردار گردد.
کودک باید از آموزش رایج و اجباری، حداقل در مدارج ابتدائی بهره‌مند گردد و از آموزشی بهره‌مند شود که در جهت پیشرفت و ایجاد فرهنگ عمومی او بوده و چنان سازنده باشد که در شرایط مساوی بتواند استعداد، قضاوت فردی، درک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خود را پرورش داده و فردی مفید برای جامعه شود.
در امر آموزش و رهبری کودک مصالح کودک باید بر مصلحت مسئولین امر باشد. چنین مسئولیتی در درجه اول بعهده والدین می‌باشد.
کودک باید در هر شرایطی جزو اولین کسانی باشد که از حمایت و تسهیلات بهره‌مند گردد. کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استعمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حد بلوغ، مناسبت به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارگاه داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد جسمی، فکری و یا اخلاقی وی گردد.
کودک باید در مقابل هر گونه اعمال و رفتاری که ترویج تبعیضات نژادی، مذهبی و غیره را ممکن سازد، حمایت شود. کودک باید با روحیه‌ای پر تفاهم، گذشت، معتقد به دوستی بین مردم، صلح و برادری جهانی و با آگاهی کامل بر اینکه توانائی و استعداد وی باید وقف خدمت به هموعانش شود، پرورش یابد.

سخن ناشر

یکی بود، یکی نبود

شاید بتوان قصه را اولین اختراع بشر برای پر کردن اوقات فراغت دانست. گنجندگان اوقات فراغت خود و کودکان را با قصه پر می کردند، لحظاتی زیبا و لذت بخش که با حکایت های تلخ و شیرین همراه می شد. پیام های ماندگاری هم از این طریق به کودکان منتقل می شد. امروزه کارکردهای قصه، به پیوسته انبساطی محدود نمی شود؛ بلکه امروزه قصه ها کارکردهای علمی هم دارند. به عنوان مثال روان شناسی از قصه برای آزمایشات علمی نیز بهره می برد. اما مهم ترین کاربرد قصه در روان شناسی، بحث آرام بخشی یا ریلکسیشن Relaxation است. در روان شناسی دو مکانیزم برای آرام بخشی وجود دارد. آرام بخشی فعال Active Relaxation و آرام بخشی ساکن Passive Relaxation هر گاه فردی، به خاطر خمودگی، کسالت و بی تحرکی، آرامشش را از دست داده باشد، می توان با آرام بخشی فعال، فشار از تنش ها دور کرد. هر گاه فردی به خاطر فعالیت زیاد و خستگی دچار تنش شده است، آرام بخشی ساکن، برای او توصیه می شود. این دو مکانیزم به شکل های مختلفی ایجاد می شوند و به کار می روند. شاید یکی از بهترین ابزار، برای ایجاد آرام بخشی، را دو ژانر قصه و شعر دانست. شعر به خاطر موسیقی و هیجان اش، می تواند در مخاطب ایجاد حرکت بکند. کودک با شنیدن مصراع اتل مثل تتوله، بلافاصله آماده لحظاتی هیجان انگیز همراه با بازی و فعالیت بدنی می شود. قصه به خاطر، روحیه ساکن اش کودک را به آرام ماندن دعوت می کند. کودک وقتی می شنود: یکی بود، یکی نبود، آماده شنیدن قصه می شود و بی حرکت در جای خودش می ماند.

قصه و کودک دو امر جدایی ناپذیر هستند. و در این باره کتاب‌های زیادی نیز نوشته شده‌اند. این کتاب، یعنی کودک و قصه یکی از آثار خوب و ماندگار است که به زبان کردی کرمانجی نوشته شده است. کتابی که اثر طبع استاد رمضان پرتو از پژوهشگران خوب عرصه ادبیات و روان‌شناسی کودک است. ترجمه زیبا و روان دوست اندیشمند، عباس فرهادی توپکانلو، نیز حق مطلب را به خوبی ادا کرده است. انتشارات عموعلوی با افتخار، این کتاب را منتشر می‌کند، و به همه ادب‌دوستان، خصوصاً علاقه‌مندان به زبان و ادبیات کردی کرمانجی تقدیم می‌کند. ضمناً منتظر کتاب بعدی نشر عموعلوی به نام کودک سعید، Zarok û Helîd, به قلم یحیی علوی فرد، باشید.

با احترام

انتشارات عموعلوی

پاییز ۱۳۹۵

مقدمه نویسنده

موضوع این کار، کودک است. اما هنگامی که بحث کودک باشد، بی‌گمان پدر و مادر نیز در آن وارد خواهند شد و پس از آن عناوینی چون آموزش و سپس اجتماع را در پی خواهند داشت. پُر واضح است که کودک در مرکز چرخه‌ی زندگی قرار دارد. اگر کودک را در اجتماع به حساب نیاوریم، سیکل و گردونه دارای نقصان خواهد بود. همان‌طور که در تمام جوامع این‌گونه است، در میان اجتماع‌گردها نیز مترب گشته است.

در زبان کُردی ضرب‌المثل‌های فراوانی که چشم می‌خورد که درباره‌ی کودک گفته شده‌اند.

Kurmê şîrî heta pîrî	از شیرِ تا پیری
Dikê çê di hêkê de bang dikê	خروس به در دِ بخور، در تخم، بانگ می‌دهد.
Şîrê bi teritî, heta pîrî	از شیرِ تا پیری
Zikê zarokê çêve, li zimanê wan nagere	شکم کودک سیر است اما بی‌زبان است.
Zarokê çêve, a malan in	فرزند ثمره خانواده است.
Çêrê nabin maran bê zehr nabin	بچه مار بدون زهر نیست
Keçika bê bav, çiyayê bêav	دختر بی‌پدر، کوه بی‌آب

البته می‌توان به ضرب‌المثل‌های زیادی اشاره کرد که مبحث این کار نیست. بچه‌ها آینده‌ی ملت‌ها هستند و تداوم ملت‌ها بر پایه‌ی حضور نسل‌های نو خواهد بود. از آغاز تمدن، بسیاری از فلاسفه و دانشمندان درباره‌ی آموزش و پرورش کودکان بحث نموده‌اند. مباحثی برای تعلیم مناسب؛ دارای ساختاری برنامه‌ریزی شده و مدون

بر اساس طرق و شیوه‌های صحیح، ضروری دانسته شده که همگی حاصل تعلیم دینی، تحقیقات و پژوهش‌های فراوان بوده‌اند. چراکه تداوم بشری، نیازمند و مرتبط با آموزش کودکان است. این مهم بر دوش حکومت مرکزی است. لاجرم حکومت‌ها این را در قوانین اساسی خویش گنجانده، برآورده و به منصفه ظهور رسانیده‌اند. تشکیلات حکومتی برای دستیابی به جامعه‌ای پررونق، از مراکز آموزشی، دبستان، هنرستان و دبیرستان گرفته تا دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، برنامه‌ریزی نموده و سرمایه‌گذاری می‌نمایند. از آموزش تا جذب معلمان، مربیان و استادان گرفته تا ساخت و احداث مراکز، همه را یک حکومت برای سرزمین تحت لوایش ایجاد می‌نماید که البته موجبات رفاه و رفاه یکسان را هم در بر خواهد داشت. چون پایداری حکومت‌ها مرتبط با همین ساختار است. این بدان معناست که مراکز آموزش، خود صاحبان و تعلیم‌دهندگان سیاست‌های حکومتی هستند که آرمانی جز فرهنگ‌سازی به‌طور یکسان و به جریان انداختن زبانی گانگنه‌ای نه را ندارند. زبان‌هایی که امروز به شکل گسترش یافته‌ای، متداول و متداول هستند، حامیان و پشتوانه‌های حکومتی دارند و به عبارتی دیگر، زبان رسمی یک حکومت هستند. زبان کُردی یکی از مستثنیات این حقیقت است. زیرا زبان کُردی با افزاین به آماري که ایالات متحده آمریکا در اختیار نهاده است، جزو ۳۰ زبان برتر جهان است. همچنین در پژوهشی که مجله‌ی فرانسوی لوموند ارائه داده، با احتساب برخی با لغات و مقیاس‌ها، زبان کُردی از میان مهم‌ترین زبان‌های دنیا که هشتاد و هشت زبان برآمده شده بودند، در ردیف سی‌ام، قرار گرفته است (لوموند ۲۰۰۸).

نیک می‌دانیم که برای قرون متمادی، کُردها فاقد دولت مرکزی بوده‌اند. این ایرادِ بزرگ، خود مانع پیشرفت و پاسداری از ارزش‌های یکسان ملت کُرد می‌باشد. سوای چرایی و عدم تشکیل دولت، قریب صدسال است که زبان کُردی در کردستان ممنوع و به شکل رسمی، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. فرودستی این زبان و متکلمانش در این مقوله، آشکارا است. خود ببینید و قضاوت کنید که آیا ملتی که آداب و رسوم غنی خویش را، ویژگی‌های اجتماعی

خویش را و تاریخ خویش را نتواند به زبان خودش بیان کند، بخواند و بداند و از همه بدتر اینکه قادر نباشد؛ زبانش را به گونه‌ای رسمی و آشکار به نسل بعدی انتقال دهد، از حقوق اولیه‌اش محروم نشده است؟ آیا روی این کره‌ی خاکی اجحافی بدین‌سان وجود دارد؟

با این وجود، اگر می‌بینید که زبان کُردی به همراه دایره‌المعارف، فرهنگ بابی و نبوغ گفتاری غنی‌اش با معیت لهجه‌های متعدّدش تا امروز سربلند مانده است، دلیلی ارزشمند و مهم دارد و این توانایی فقط به واسطه‌ی قدمت زبانی و ادبیات شفاهی‌اش ایجاد شده است. به اعتقاد من اگر فرهنگ و فولکلور کُردی این قدر قوی و ژرف و توانمند نبود، به این سادگی؛ شکوه و جلال کنونی‌اش را به دست نمی‌یافت. اما این وضع تا چه هنگام ادامه خواهد داشت؟ هرچند که زبانی توانمند و غنی باشد، اما اگر در کانون گرم خانواده، در زندگی روزمره و از همه مهم‌تر در سازمان‌ها و تشکیلات و ادارات بکار برده نشود، فرسوده خواهد شد، به تدریج ناتوان خواهد شد و در پایان به انزوا کشیده می‌شود و مرگ زبانی رخ خواهد داد. در اینجا است که این زبان هم رهسپار کاروان زبان‌های مرده دنیا خواهد گردید.

درهم‌آمیختگی، تغییر هدفدار و متشابه‌سازی (آسانسایون) که بر روی کُردها بوده، هیچ‌گاه به اندازه‌ی این ده سال اخیر تأثیرگذار نبوده است چون دستاویزهای حکومتی فراوان‌تر بودند. راهکارها و فنون، توسعه یافتند، ارتباطات و تبادلات آسان‌تر شدند، روستاها خالی از سکنه شدند و دولت مرکزی^۱ که مجال و فضای این گونه را مغتنم شمرده بود، در تاریخ، برای اولین بار اقدام به پایگاه‌های مستحکم فرهنگ خود نمود. افسوس که سال‌به‌سال نفوذ و رسوخ فرهنگی ایشان بیش‌ازپیش اثرات منفی را بر پیکره‌ی زبان و فرهنگ مردم کُرد گذارده است. هر چه که به‌پیش می‌رود نفوذش بر فرهنگ و زبان، بیشتر می‌شود و علی‌الخصوص بر کودکان اثرپذیری داشته و آن‌ها را از داشتن فرهنگ چند هزارساله‌شان دور کرده است. این پروسه اگر متوقف

نگردد، کودکان از میراث فرهنگ توانگر و غنی کُردی، بی‌بهره خواهند شد. البته این بدان معنی نیست که دیگر کاری از دست ما ساخته نیست. بلکه به هر میزان که در توان ما باشد باید متحمل واگذاری فرهنگ چند هزارساله‌مان به فرزندانمان بشویم و مانع متشابه‌سازی باشیم. از این‌روست که مسئله‌ی آموزش و پرورش کودکان، مسئله‌ی بزرگ و نبودن ملت کُرد است. هرکسی در این کوشش بتواند دو سنگ را بر روی هم بگذارد، شالوده و بنیاد کاری مقدس را بنا نهاده است. هدف نگارش این کتاب نیز همین است.

کار آموزش و پرورش صورتی تبادلی دارد. در اینجا چیره‌دستی، مهارت و روشمندی ارتباطات هر یک مدخل به‌شدت، تبادل همان‌قدر مؤثر خواهد بود. همان‌طور که می‌دانیم هدف آموزش و پرورش تغییر حیطه‌های مشخصی در برابر استقامتی ایستا و مشخص است. برای تغییر و البته پرورش رویه‌ی کودکان به روحیه‌ی تعلیم و تعلم در جهت اعتلای جامعه (پیش از این تربیت که نامیده می‌شد) بهتر است به مقوله‌ی تبادل اطلاعات و ارتباطات پرداخته و آگاهی را بالاترانی را به دست آوریم. یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید: «پرورش کودکان بیست سال پیش از تولد آن‌ها شروع می‌شود». این بدان معنی است که می‌بایست اول پدر و مادر آموختن را بتوانند فرزندشان را پرورش دهند.

کسانی که به محیط زندگی‌شان و همین‌طور به خارج از حدودی خویش اشراف دارند؛ می‌توانند پیام‌رسان‌هایی موفق باشند. از این‌روست که قدیمی‌ها گفته‌اند: «روبا هوشیار بهتر از شیر غافل». ارتباطات و تبادل اطلاعات مهم‌ترین مبحث پرورش اجتماعی شدن است. به‌خصوص طریقه یا نظام برقراری ارتباط با کودکان، می‌تواند جلوه‌گر موفقیت برای شروع و ورود به زندگی اجتماعی آن‌ها باشد. بنابراین همه‌ی پدر و مادرها باید درباره‌ی این ارتباطات، رشد و شیوه‌های تربیتی آن‌ها آگاهی علمی داشته باشند. در عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، این مورد مشخصاً امری حیاتی می‌باشد.

مناسب‌ترین و سریع‌ترین راه دستیابی برای تبادل اطلاعات با کودکان، گوش

کردن به سخنان ایشان است. یعنی شیوه‌ی گوش دادن به آن‌ها از کنترل آن‌ها مؤثرتر است. هنگامی که کودک موضوعی را با ما در میان بگذارد و ما بجای همراهی با وی تنها رفتارهایش را کنترل کنیم و به شکل صحیح واکنش نشان ندهیم، از بابت تبادل اطلاعات و ارتباطات نامناسبمان، به شخصیت وی آسیب وارد نموده‌ایم. کودک موردنظر، خود را حقیر خواهد دید و دیدگاهی منفی پیدا می‌کند. پدر و مادر باید ارتباطی را ایجاد کنند که کودک در هر زمان بتواند به راحتی نظرات خود را به زبان ببرد. اغلب، هنگامی که کودک را اندوهگین، بیمناک و هراسناک از چیزی می‌بینیم، سعی در برقراری یک احساس در وی می‌نماییم. این عکس‌العمل ما او را متأثرتر خواهد نمود. باید در نظر داشت هنگامی که احساس و ماجرای همان لحظه توسط بزرگ‌تر وی تفسیر می‌شود، ادراک متقابل را با همان شکل دوباره می‌شنود، آرامش خاطر پیدا می‌کند و آسیب می‌شود. چراکه شخصی خارج از رؤیا و درک درونی وی، او را فهمیده و متوجه شده است و به او پاسخ داده است.

کودک از پند و اندرزهای مداوم که از سوی بزرگ‌ترش اظهار می‌شود بیزار و منزجر می‌شود؛ حتی اگر منطقی و صحیح باشند. بنابراین می‌بایست ارتباط و سپس بیان موضوع با زبانی عاطفی، همراه با مهر و محبت باشد. در این صورت است که کودک با آغوش باز آن را خواهد پذیرفت. بسیاری از اوقات در زندگی روزمره میان فرزندان و پدر و مادر و حتی میان معلمان و دانش‌آموزان مشابقتی پیش می‌آید. گاهی این اختلافات در قالب تنفر، لجبازی و دشمنی آشکارا می‌گردد. کسی هر یک از طرفین، خود را صاحب حق می‌بینند. در این زمان می‌بایست خود را از روی آن‌ها بگذاریم و از خویشتن بپرسیم که آیا اگر من کودک بودم در این شرایط می‌کردم؟ به نظر من؛ پاسخ شما، راه‌حل و راه عبور از بحران خواهد بود. در زیر سایه‌ی این همدلی می‌توان دنیای کودکان را بهتر شناخت. آن وقت است که کودک در مورد ما تصورات منفی نخواهد نکرد، هیچ؛ بلکه با آغوشی باز ما را دوست و همراه خویش درمی‌یابد.

زمانی که عیوب کودک را به رویش آورده، تحقیرش می‌کنیم یا مته‌میش

کنیم، رفتارمان باعث می‌شود که شرایط ناگوارتر، یافتن راه‌حل دشوار و گاهی از کنترلمان خارج گردد. این رفتار پدر و مادرها از سوی روانشناسان به‌عنوان تربیت سمی (فرزند پروری مسمومیت‌زا) شناخته می‌شود. تربیت سمی به دلیل عدم تفاهم ایجاد می‌گردد (جوئل اوغلو ۱۳۷۵). در مقابل؛ هنگامی با شیوه‌ای صحیح به بیان موضوع اقدام می‌کنید که وی را آگاه کنید - به‌جای تحقیر - حل برای حل مشکل خواهید یافت.

نمایی تکایو و جنب و جوش انسان‌ها و موجودات زنده مربوط به کردارشناسی (پدیدایی ردی) می‌باشد که خود منشأ و انگیزه به خودنمایی در برابر محیط اطرافشان می‌باشد. برای کنکاش و تحلیل اصل خودنمایی، تحقیقات زیادی بر روی کودکان صورت گرفته است تا مشخص کند، کدام محرک بر واکنش‌های کودکان تأثیر می‌گذارد. برای مثال اینکه چرا بعضی از کودکان خجالتی و کمرو هستند؟ چرا برخی کوشا و بیش فعال هستند؟ چرا برخی از کودکان جسور و شجاع هستند و در مقابل، بعضی کم جرأت و ترسو هستند؟ چرا بعضی از کودکان بی‌اراده و منزوی هستند؟ چرا بعضی از کودکان موفق و کارا هستند؟ چرا عده‌ای از کودکان درون‌گرا و ناتوان هستند؟ می‌توان به پرسش‌های بیشتری اشاره کرد که در این مبحث خواهد کشید. در نتیجه می‌توان پاسخ داد که واکنش کودکان در برابر محیط اجتماعی، حال آنکه مثبت یا منفی، تأثیرپذیری و نوع نگرش خانواده بر وی بوده است (ابراهیم ۱۳۸۱).

ارتباط پدر و مادر با کودک، اساس ارتباط با جامعه است. با نگرش بر ساختار کوچک‌ترین واحد اجتماعی کردها یعنی خانواده، با بررسی مقتضات (استبدادی)، سیستمی بسته و مرزبندی شده، بسیار مراقب و تفتیشی‌رأزرسی و کنترل بیش از حد) روبرو خواهیم شد. یعنی در این شرایط، کودک؛ مطیع، تسلیم، کنش‌پذیر و بی‌اراده بزرگ خواهد شد. همچنین اگر کودکی با روحیه‌ی پرسشگر، کوشا و بیش فعال در این خانواده متولد شده باشد، سرافکنده و سرکوب خواهد گردید. رفتار این‌گونه خانواده‌ها را، تلاش آگاهانه برای کنار نهادن افکار و تجارب ناخوشایند از حیطه‌ی خودآگاهی می‌نامند. به بیانی دیگر،

کودکانی که در منزل حرف‌گوش‌کن و مطیع هستند به راحتی با خانواده ارتباط برقرار می‌کنند و برخلاف آن، کودکانی که باشهامت و توانمند هستند، نمی‌توانند ارتباط مناسبی با پدر و مادر داشته باشند و بنای ناسازگاری در این ارتباط گذاشته می‌شود. مخصوصاً در این ده بیست سال اخیر، پس از تخلیه اجباری روستاها و سوزاندن خانه‌های روستائیان، خانواده‌های گُرد مجبور شدند که به شهرها کوچ کنند. نتیجه‌ی این کوچ‌ها، از هم پاشیدگی بنیاد خانواده‌ی کُردی بود. اگرچه این موضوع با مبحث ما در این کتاب، ارتباطی غیرمستقیم دارد اما پیوند این گسست‌ها، ضربات روحی و روانی نامناسبی در میان اجتماع کُردها در پی داشته است.

در میان این اجتماع، گروه‌های مختلف خانواده وجود دارند که به لحاظ رفتاری متمایز هستند. اگرچه ما به این گروه‌ها به پدر و مادرهای مستبد و سختگیر، پدر و مادرهای سهل‌انگار و بی‌دقت، خانواده‌های گسسته و پریشان، خانواده‌های متزلزل و آشفتگی‌زده و مادرهای خیلی حساس و کنجکاو، خانواده‌های ناتوان و سست‌بنیان، پدر و مادرهای مردد و ناآرام و در مقابل پدر و مادرهای آگاه، پشتیبان و خانواده‌های برابرطلب و دموکرات برمی‌خوریم. خودتان می‌توانید حدس بزنید که خانواده‌ای که براساس مساوات است و ما به خانواده برابرطلب و دموکرات از آن یاد بردیم، سالم‌ترین و بهترین مهد پرورش کودکان صالح و مفید در جامعه خواهند بود. البته این نوع خانواده با تمام خصوصیات برابری و همانندی فکر اعضای ممکن پذیرفته نیست یعنی در خیلی از خانواده‌های ویژگی‌های برابری و مساوات دیده می‌شود اما باز هم مرجع قدرت، حاکم خواهد بود. به‌طور کلی خانواده‌ها در سه گروه خانواده‌های مفتش و مراقب، خانواده‌ی دموکرات و پشتیبان و خانواده‌های بی‌اراده و سهل‌انگار؛ جای می‌گیرند.

خانواده‌ی مفتش و مراقب، سعی دارد که کلیه حرکات و سکنات کودک را کنترل و در یک قالب و فرم شکل بدهد. بیشتر اوقات شیوه‌های تهدیدی، ترعیمی و تنبیه

بدنی را پیش می‌گیرد. غالباً واکنش‌هایی همانند خشمگین شدن، تحویل نگرفتن، تحقیر کردن را نسبت به کودک نشان می‌دهد. اما کودک نمی‌تواند درک کند که در مقابل چه کاری، چه پیشامدی خواهد داشت چرا که بر اساس ترس رشد می‌کند و در آینده شخصی بزدل، ترسو و یا شخصی سرکش و یاغی از آب دربیاید و گاهی نتیجتاً هم بزدل و هم یاغی شود.

خانواده‌های بی‌اراده و سهل‌انگار، در مقابل رفتارها و واکنش‌های کودکانشان توجه خاصی نشان نمی‌دهند و بی‌تفاوت هستند. به فرزندانشان وابستگی نداشته و نمی‌دانند که کودکانشان دارای چه خصوصیتی می‌باشد. فرزندان این گونه خانواده‌ها اکثراً لابلایی پرخطر و پرورشگر هستند. هیچ‌گاه ارزشی برای بزرگ‌تر خود قائل نیستند و در مقابل آن‌ها طغیان می‌کنند. همیشه دارای پندار و کردارهای منفی، متفاوت و در تقابل با بزرگان هستند.

خانواده‌های دموکرات و پشتیبان، توجه ویژه‌ای به کودکان داشته، رفتار و اعمالشان همسان و توانمند است و از همه مهم‌تر، به شخصیت کودک را پذیرفته‌اند. این گونه است که زمینه‌ای جهت رشد روانی سالم و کارآمد به وجود می‌آید. زیرا کودک از سوی پدر و مادرش مانند ضمیر و نفس خودش پذیرفته شده و ارزشیابی شده است. برای پیشرفت کودکان، مهم‌ترین نکته این است که پدر و مادر، تجایش و ویژگی‌های فیزیکی آن‌ها را شناسایی و در همان راستا پیش ببرند. کودک باید مزاجه مهر و محبت پدر و مادرش بگردد و با اتکای به نفس پیش برود. به‌هرروی، تصمیم که خانواده‌ی سالم و کارآمد، لازمه‌ی اجتماع است و همچنین مقتضی پیشرفت فردی کودکان است.

کتاب در دست شما به دو فصل تقسیم شده است. فصل اول درباره‌ی ویژگی‌های رشد در دوران کودکی است که در آن رشد جسمانی و حرکتی که عامل اصلی حرکت در سازوارهای موجودات زنده می‌باشد بحث می‌شود. همچنین مباحثی چون رشد اجتماعی عاطفی، رشد ذهنی و رشد زبانی مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. هدف از باز کردن این مباحث این است که پدر و مادر

به‌طور خلاصه، اطلاعاتی عمومی درباره این دوره سنی از کودک کسب بکنند. در بخش پایانی فصل اول به برخی از مشکلات کودکان و راه‌حل‌هایی پیرامون آن‌ها پرداخته‌ایم.

در فصل دوم به ویژگی و اهمیت روایت‌های عامه، پرداخته‌ایم. بی‌شک از این میان به قصه و قصه‌گویی توجهی خاصی نموده‌ایم. چراکه این گونه‌ی ادبیاتی در میان ادب عوام، کهن‌تر از همه آن‌هاست و دوام و بقائی خارق‌العاده، همسوز و حیرت‌انگیز دارد. در انتهای کتاب بررسی، تبیین و تفصیلی بر برخی نمونه‌های ادبیات کُردی آمده‌شده که به‌راستی سنجش را به عهده خواننده باقی می‌گذارد.

همچنین در مضمون ترجمه‌شده به کُردی / فارسی ارائه‌شده است که یکی از کتاب تست روانشناسی کودکان^۱ استفاده از داستان^۲ نوشته خانم لوئیزا دوس می‌باشد و از ده قصه به دست آمده است. هدف از این تست اثبات کردن برخی از مشکلات کودکان است. منبع دوم آزمون‌ها از مقاله‌ای به نام «نیاس نگرش والدین و پرورش کودک»^۳ بوده است. اگرچه این دو تست تاکنون در جامعه‌ی کُرد بررسی، منطبق و مورد آنالیز قرار نگرفته باشد، مطمئن هستیم که کسانی که این دو تست را در خانواده خود آزمایش کنند، متوجه خواهند شد که جزو کدام یک از گروه‌های معرفی‌شده، هستند. والدین خود می‌توانند تست نگرش خانوادگی را می‌توانند به‌خوبی انجام داده اما این مستلزم پیش مطالعه مبحث را خواستار است. تست لوئیزا دوس صرفاً برای آن است که پدر و مادر می‌بایست بر کودکان انجام داده و دریابند که کودکشان در چه وضعیتی قرار دارد و در صورت نیاز از متخصص مشاوره بگیرند.

باز هم لازم می‌بینم که اعلام کنم، هرچند کتاب به سبک و سیاقی علمی و تخصصی نوشته‌شده باشد، باز هم به شکل آکادمیک آماده نشده است. دلیلش هم مشخص است که تقریباً اولین پژوهش آکادمیک و فرهنگی بر روی

۱- 1950 Louisa Duss, La méthode des fables en psychanalyse infantile, L'Arche, -۲

(parental attitude research instrument (PARI -۳

جامعه‌ی گردهاست. اگر تلاشی هم صورت گرفته باشد، متأسفانه اندک بوده‌اند و هدف دیگری را پیش گرفته بوده است. البته در منابع و مآخذ خواهید دید که به بسیاری از کتب و مقالات ارزنده سر زده شده و مورد بررسی قرار گرفته شده‌اند. بی‌شک تجربه ده‌ها سال کار و کوشش در همین راه برایم رهنمون بوده و مرا در تألیف این کتاب یاری داده است.

کایان مکر است که کتاب به زبانی ساده نوشته شده است چون در کارهای این‌گونه، تعصب زیاد بی‌فایده است. چون این کتاب برای خانواده‌ها نوشته شده است از این‌رو با آن‌ها که از دستم برآمد، واژه‌های آکادمیک و علمی را به زبانی ساده و روان نوشتم. برای دستیابی به نوشتن واژه‌های شیوا و سلیس از کتاب فرهنگ لغت کردی ترکی و ترکی کردی آقای زانا فاروقینی استمداد جستیم. واژه‌هایی را که در هیچ منبع نیافتم، از روی چاری خود برابرسازی نمودم و در انتهای کتاب، برای واژه‌های تخصصی، فرهنگ لغتی هم ساده نمودم تا آغازی برای فرهنگ روانشناسی کردی نیز باشد.

تلاش نمودم که تمامی منابعی که به کودک مربوط می‌شوند را در این کتاب ذکر نمودم. و صد البته منابع فراوانی هم وجود دارند که اگر خودم نخوانده باشم، بر اساس قاعده اخلاقی نمی‌توانم اتخاذ کنم. به‌عنوان مثال کارهای ارزشمند جناب استاد حجی جندی که درباره کودکان کرده است که علیرغم پیگیری‌هایم، تاکنون هم به دستم نرسیدند. باز هم به‌دلیل نرسندگانی که کتاب‌هایی، درباره ادبیات کودکان و ادبیات شفاهی نوشته‌اند، اما به‌دلیل خواندن، از آن‌ها بهره‌مند نشده‌ایم و در لیست منابع قرار داده نشده‌اند. عذرخواهی می‌کنم. امیدوارم که در کارهای بعدی‌ام، با ذکر گزیده‌ای از اثر به آن جامعه عمل بپوشانم.

خوانندگان می‌توانند این کتاب را با عناوینی چون «آغازی برای روانشناسی کودکان» یا «شروعی برای راهبردهای تعلیم و تعلم» حساب کنند زیرا که عنوان‌های نامبرده بی‌ارتباط نیستند. اما من نام کتاب را «کودک و قصه» نهادم و سبب هم نام

دو فصلی که در کتاب برگزیده شده و به آن بسط داده شده است.
امیدوارم که در آینده کارهایی در همین زمینه گسترده‌تر و پیشی جسته‌تر
انجام شود. و به امید اینکه خانواده‌های کُرد از این کتاب بهره‌مند شوند.

رمضان پرتو
دیاریکر ۱۳۸۷

www.ketab.ir